بررسی رابطه هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی دانش آموزان

دکتر احمد سلحشوری[۱]
فرهاد خاوری[۲]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان هوش فرهنگی با هویت ایرانی - اسلامی دانش‌آموزان صورت گرفته است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش دانش‌آموزان سال چهارم مقطع متوسطه ناحیه یک آموزش و پرورش شهر همدان و شمار آنان ۲۱۴۱ نفربوده است. از این عده ۳۲۷ نفر (۱۷۶ دختر و ۱۵۱ پسر) به عنوان نمونه پژوهش به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای سهمی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات دو پرسشنامهٔ مجزا، یکی پرسشنامهٔ استاندارد هوش فرهنگی و دیگری پرسشنامهٔ محقق ساخته هویت ایرانی – اسلامی بوده است. روایی پرسشنامه‌ها بر اساس روایی محتوایی و صوری مورد تایید متخصصان قرار گرفته و پایایی پرسشنامه‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرانباخ محاسبه شده که به ترتیب۸۷٪ برای پرسشنامه هوش فرهنگی و ۹۲٪ برای پرسشنامهٔ هویت ایرانی – اسلامی گزارش شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخصهای آمار توصیفی مانند (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و شاخصهای آمار استنباطی(ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه) استفاده شده است. نتایج این تحقیق نشان داده است که میان هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد ($R2=۰/۰۴۹$). همچنین در ابعاد فرا شناختی($R2=۰/۰۷۷$)، شناختی ($R2=۰/۰۲۱$) و انگیزشی($R2=۰/۰۳۱$) هوش فرهنگی با هویت ایرانی – اسلامی رابطه معنادار مشاهده شد، اما میان بعد رفتاری هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی رابطه معنادار مشاهده نشد.

کلید واژگان: هوش فرهنگی، هویت ایرانی - اسلامی، دانش آموزان

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۳ تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۳۰

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم تربیتی دانشگاه بوعلی سینای همدان ah.salahshoor@gmail.com
۲. کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه بوعلی سینای همدان farhad_khavari2003@yahoo.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

مقدمه و طرح مسئله

بحث از هویت یکی از اساسی‌ترین و جدیدترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن است که پس از رنسانس پدید آمده است (میلر[1]،۱۳۸۳: ۸۳). هویت در برگیرندهٔ همهٔ نقشها و گرایشهای فرد است که در طول مدت اجتماعی شدن درونی کرده است؛ بنابراین هویت در فرآیند اجتماعی شدن شکل می‌گیرد، باقی می‌ماند، تغییر می‌کند و یا حتی از نو شکل می‌گیرد. با توجه به این می‌توان هویت را حاصل دیالکتیک واقعیت ذهنی و عینی دانست که در برابر ساختارهای اجتماعی معین، واکنش نشان داده و موجب حفظ، تغییر یا شکل‌گیری مجدد ساختارهای اجتماعی می‌شود (برگر و لوکمان،[2] ۱۳۷۵: ۲۳۶). هویت انواع گوناگون دارد. یکی از جامع‌ترین بخشهای هویت جمعی، هویت ملی است که فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظامهای اجتماعی است (حاجیانی،۱۳۷۹ :۱۹۶). امروزه این مفهوم به قدری اهمیت پیدا کرده است که برخی از اندیشمندان، هویت ملی را زیر بنای انواع دیگر هویتها می‌دانند (پول[3]،۲۰۰۳). با تلفیق مؤلفه‌های هویت ایرانی با مبانی الهی اسلام، هویت مستحکم‌تری برای ایران ایجاد شد (نقیب‌زاده،۱۳۸۳). هویت ملی به دلیل تاثیر زیادش در تمامی‌حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی، مهم‌ترین نوع از انواع هویت است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). به عبارت روشن‌تر، هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی‌نظامهای اجتماعی است (حیدری، ۱۳۸۳: ۳۴۴). هویت دینی نشان دهنده احساس تعلق به دین وجامعه دینی و احساس تعهد به دین وجامعه دینی است (چیت سازقمی، ۱۳۸۳). انسان شناسان و جامعه شناسان بر بازنمایی موضوعاتی نظیر هویت، نژاد و قومیت و ارتباط آن با تعلیم و تربیت تاکید می‌ورزند (عراقیه و همکاران، ۱۳۹۰). در اهداف کلی دوره متوسطه نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران مصوب شورای عالی آموزش و پرورش نیز این موضوع مورد تاکید بوده است. نزدیک به ۳۴ بند مربوط به هویت دینی و ۲۰ مورد مربوط به هویت ملی و ۱۸ مورد مربوط به هویت شخصی است (پورزارعیان،۱۳۸۹). مطالعات لاویه[4] (۱۹۷۶) روی نوجوانان دختر و پسر دبیرستانی ۱۵ تا ۱۸ ساله نشان داد که با افزایش سن، شکل گیری هویت افزایش می یابد (آقاجانی،۱۳۸۱). میلمن (۱۹۷۷) شکل گیری هویت را در پنج گروه سنی پسران در سنین ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۲۱ و۲۴ بررسی کرد و نشان داد که بیشترین تغییرات هویتی میان ۲۱ تا ۲۴ سالگی است (همان). اکثر مطالعات انجام شده روی

1. Miller
2. Berger & Luckman
3. Poole
4. Lavyh

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

شکل گیری هویت، مربوط به دوران آخر نوجوانی ـ یعنی سالهای دبیرستان است (همان). از این رو، شناخت سطوح، مؤلفه‌ها، چالشها و فرصتهای هویت ملی و به ویژه خصوصیاتی که سبب تسهیل همزیستی و همگرایی و به تبع آن تقویت همبستگی ملی می‌شود، اهمیت اساسی دارد (اسلامی، ۱۳۸۵). اولسون[1] (۲۰۰۲) رابطه هویت و فرهنگ را ناشی از ارتباط هر دو مفهوم با کنش اجتماعی می داند. ایزوتسو[2] هویت را حاصل نسبی دیالکتیکی تلقی می‌کند که فرد میان شبکه معنایی ذهن خود و شبکه روابط اجتماعی برقرار می‌کند(۱۳۸۱: ۴۶). به تعبیر امانوئل کاستلز[3] هویت، فرآیند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگیهای فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند(۱۳۸۰: ۱۱۲–۸۹). از این دیدگاه هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اَشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می کند (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۰– ۱۳). محیط فرهنگی نقش برجسته‌ای در تکوین، حفظ، تغییر و تحول هویت دارد (بوردیو، ۲۰۰۲؛ به نقل از توسلی، ۱۳۸۳). بنابراین پیوند میان هویت و فرهنگ چنان عمیق است که اغلب هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و برای فرهنگ، شأن مستقلی در هویت قائل می‌شوند (چلبی، ۱۳۷۵: ۵۸). بنابراین اشتراکات فرهنگی، عناصر و اجزای مشترک میان جوامع هستند و هویت فرهنگی نیز بخشی از ویژگی جامعه است که آن را از سایر جوامع متمایز می‌سازد (آشنا و روحانی،۱۳۸۹). قدم اول در پاسخگویی به چالشها و مقتضیات عصر حاضر، درک آن، هم از نظر مفهومی و هم از نظر عملی است. در این میان مفهوم نوظهور هوش فرهنگی می تواند یکی از ابزارهای مؤثر تلقی شود که بینشهایی را درباره تواناییها و قابلیتهای افراد برای از عهده بر آمدن موقعیتهای چند فرهنگی، درگیر شدن در معادلات میان– فرهنگی و عمل کردن در گروههای کاری متفاوت از نظر فرهنگی فراهم کند (لاگو[4]،۲۰۰۷). مفهوم هوش فرهنگی را برای نخستین بار ارلی و آنگ[5] مطرح کردند. آنها هوش فرهنگی را قابلیت یادگیری الگوهای جدید در تعاملات فرهنگی و ارائه پاسخهای رفتاری صحیح به این الگوها تعریف کرده‌اند (ارلی و آنگ،۲۰۰۳). همچنین ارلی و آنگ هوش فرهنگی را به منزلهٔ قابلیت فرد برای سازگاری مؤثر با قالبهای نوین فرهنگی تعریف می کنند (ارلی و انگ، ۲۰۰۴). لیورمور[6] هوش فرهنگی را اثر گذار بودن فعالیتهای فرد در فرهنگهای متفاوت ملی، فرهنگهای متفاوت قومی و فرهنگهای متفاوت سازمانی می داند (لیورمور،۱۳۹۰). ون

1. Olson
2. Izutsu
3. Castells
4 . Lugo
5. Earley & Ang
6. Livermore

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

داین[1] و همکاران(۲۰۰۶) هوش فرهنگی را توانایی فرد برای فهم و سازگاری مؤثردر زمینه‌های فرهنگی متنوع می دانند (۲۰۰۶: ۱۳۱). توماس و اینکسون[2] هوش فرهنگی را نظامی از تواناییهای تعاملی می دانند که در واقع، ظرفیتی به افراد می‌دهد تا در مواجهه با فرهنگهای متفاوت درک و فهم درستی داشته باشند و به طور مناسب عمل کنند (توماس و اینکسون، ۲۰۰۵: ۸). پلام[3] و همکاران، هوش فرهنگی را درک ظاهر و باطن افراد از نظر فکری و عملی می دانند واز این طریق یک چارچوب زبانی را در اختیار آنها قرار می‌دهند تا بتوانند تفاوتها را درک کنند (پلام و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۰). پترسون[4] (۲۰۰۴) هوش فرهنگی را توانایی در گردآوری اطلاعات، تفسیر آنها و عمل کردن بر مبنای آنها در موقعیتهای چند فرهنگی می دانند.آنگ و همکاران (۲۰۰۶) هوش فرهنگی را توانایی فرد برای سازگاری موفقیت آمیز با مجموعه‌های نوین فرهنگی که براساس زمینه فرهنگی فرد می‌توان آنها را مجموعه‌های فرهنگی نامأنوس و ناآشنا دانست، تعریف می کنند. تراندیس[5] (۲۰۰۶) معتقد است که هوش فرهنگی بینشهایی فردی است که برای انطباق با موقعیتها و تعاملات میان- فرهنگی و حضور موفق در گروههای کاری چند- فرهنگی مفید است. افراد دارای هوش فرهنگی بالا نوعی سینرژی فرهنگی را به وجود می آورند که این سینرژی نوعی هم‌افزایی برای حل مسائل، کسب دیدگاههای نوین و افزایش علاقه مندی ها و متنوعات گوناگون می باشد. لی (۲۰۰۲) معتقد است که هدف اصلی هوش فرهنگی توانایی در تعامل و پاسخگویی به موقعیتهای فرهنگی متفاوت، بدون از دست دادن هویت ملی است. توماس و اینکسون (۲۰۰۵) نیز بر گفتگوی هویتی به مثابه کلیدی در توانایی ارتباطات میان- فرهنگی تاکید می کنند. تینگ ـ تومی و کورگی[6] (۱۹۹۸) گفت و گوهای رو در رو را به طور کلی کنشهای اصلی ارتباطات درون- فرهنگی و به طور خاص توانایی ارتباط میان- فرهنگی نامیده‌اند. به نظر هافستد[7] مهم‌ترین مهارت برای بقا در جهان چند فرهنگی، ابتدا شناخت و درک ارزشهای فرهنگی خود است و دوم شناخت ارزشهای فرهنگی کسانی است که فرد قصد همکاری با آنها را دارد (هافستد، ۱۳۸۸: ۳۴۸). ارلی و آنگ (۲۰۰۳) معتقدند که فردی دارای هوش فرهنگی بالاست که بتواند به شیوه‌ای مؤثر در یک زمینه فرهنگی متفاوت، خود را سازگار کند، بدون آنکه هویت فرهنگی خود را کنار بگذارد. کراون[8]

1. Van Dyne
2. Thomas & Inkson
3. Plum
4. Peterson
5. Triandis
6. Ting-Toomey & Kurogi
7. Hofstede
8. Crowne

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

(۲۰۰۷) در پایان نامه دکتری خود تحت عنوان روابط میان هوش اجتماعی، عاطفی و فرهنگی، نشان داد که این سه نوع هوش با اینکه در مؤلفه ها با هم متفاوت اند، اما با هم همپوشی دارند. آنگ و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان «هوش فرهنگی: سنجش و تاثیراتش بر قضاوت و تصمیم گیری فرهنگی، تطبیق پذیری فرهنگی و عملکرد شغلی» نشان دادند که میان هوش فرهنگی فراشناختی و شناختی با اثربخشی قضاوت و تصمیم گیری فرهنگی و میان هوش فرهنگی انگیزشی و رفتار با تطبیق پذیری فرهنگی، رابطهٔ مثبت و معنادار وجود دارد. مودی[1](۲۰۰۷)در پژوهشی با عنوان رابطه بین مؤلفه‌های هوش فرهنگی و ویژگیهای شخصیتی نشان داد که برون گرایی به طور مثبت با مؤلفه‌های فراشناختی، رفتاری و انگیزشی هوش فرهنگی رابطه دارد. تان[2] (۲۰۰۴) نشان داد که سطح هوش فرهنگی می‌تواند برسازگاری فرهنگی موثر باشد. نتایج حاصل از پژوهش ایچن[3] (۲۰۰۹) نیز نشان داد که هوش فرهنگی پیش‌بینی کننده سازگاری میان- فرهنگی است. پژوهشهای چنگ[4](۲۰۰۷) وجود همبستگی مثبت میان رفتارهای یکپارچه مستمر و هوش فرهنگی مذاکره کننده را نشان می دهند. پژوهش آنگ و همکاران (۲۰۰۶) همبستگی مثبت و معناداری را میان راهبرد فرهنگی و همبستگی منفی و معناداری را میان رفتار فرهنگی نشان داد. داین و کوه[5] معتقدند که می توان از طریق راهبرد و دانش فرهنگی عوامل قضاوت و تصمیم‌گیری را پیش بینی کرد (به نقل از حسینی نسب و قادری،۱۳۹۰). توماس(۲۰۰۶) هوش فرهنگی را در قالب سه متغیر دانش فرهنگی، مهارتهای فرهنگی و مراقبتهای فرهنگی مورد بررسی قرار داده است. ایرلی و موساکوفسکی[6] هوش فرهنگی را مشتمل بر سه بعد عملی یا رفتاری، بعد عاطفی یا انگیزشی و بعد شناختی می دانند (ایرلی و موساکوفسکی، ۲۰۰۴: ۲۱). هوش فرهنگی به چهار بعد فراشناختی (درک تجربیات میان فرهنگی)، شناختی (درک فرد از تشابهات و تفاوتهای فرهنگی)، انگیزشی (علاقه فرد به آزمودن و تعامل با فرهنگهای دیگر) و رفتاری (قابلیت فرد برای سازگاری با رفتارهای کلامی و غیر کلامی در تعاملات فرهنگی) تقسیم می‌شود (ایرلی و موساکوفسکی، ۲۰۰۵: ۴۸). به عبارت دیگر این چهار بعد عبارت‌اند از انگیزه هوش فرهنگی، دانش هوش فرهنگی، استراتژی هوش فرهنگی و عمل هوش فرهنگی که معمولاً در تحقیقات به عنوان هوش فرهنگی انگیزشی، هوش فرهنگی شناختی، هوش فرهنگی فراشناختی و هوش فرهنگی رفتاری

1. Moody
2. Tan
3. Yi-Chen
4. Cheng
5. Dyne & Koh
6. Earley & Mosakowfski

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

نامیده می‌شوند. از نظر پژوهشگرانی چون لیونگ و لی[1](۲۰۰۸) هر یک از این ابعاد چند بعد فرعی نیز دارد. این ابعاد در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است (لیورمور، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷).

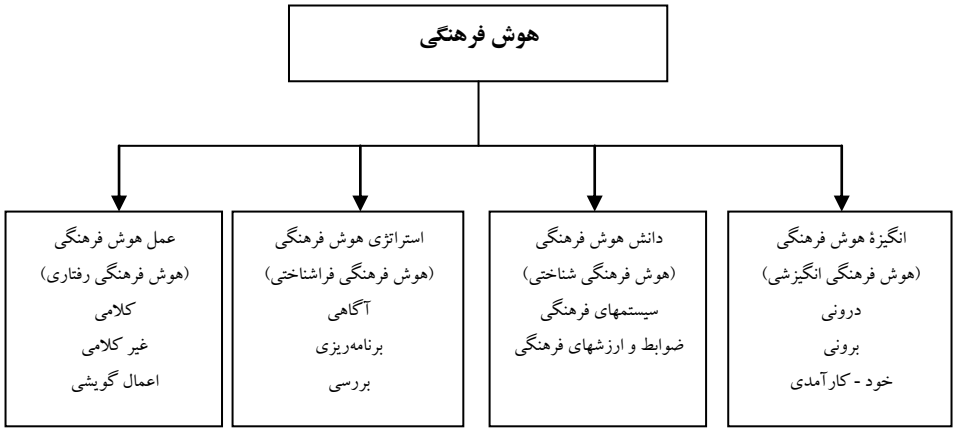

نمودار شماره ۱. مدل چهار بعدی هوش فرهنگی داین و آنگ

براین اساس در این پژوهش با تاکید بر مدلی که برای هوش فرهنگی چهار بعد مستقل و در عین حال مرتبط قائل شده است، رابطه میان ابعاد شناختی، انگیزشی، رفتاری و فراشناختی هوش فرهنگی با هویت‌ایرانی ـ اسلامی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با توجه به مباحث بالا این پژوهش درصدد این است که آیا بین هوش فرهنگی و هویت ایرانی ـ اسلامی رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی: بین هوش فرهنگی و هویت ایرانی ـ اسلامی‌دانش‌آموزان سال چهارم مقطع متوسطه شهر همدان رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیات فرعی:

بین بعد شناختی هوش فرهنگی و هویت ایرانی‌ـاسلامی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

بین بعد انگیزشی هوش فرهنگی و هویت ایرانی‌ـ اسلامیدانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

بین بعد رفتاری هوش فرهنگی و هویت ایرانی ـاسلامی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

بین بعد فراشناختی هوش فرهنگی و هویت ایرانی‌ـاسلامی‌دانش‌آموزان رابطه معناداروجود دارد.

روش تحقیق

روش پژوهش در این تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است.

1. Leung & Li

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

جامعهٔ آماری

جامعهٔ آماری این پژوهش دانش آموزان دختر و پسر سال چهارم مقطع متوسطهٔ ناحیه یک شهر همدان هستند که در سال تحصیلی۹۲-۹۱ مشغول به تحصیل بوده اند. عده آنان ۲۱۴۱نفر(۲۶۸ دختر و ۸۷۳ پسر) بوده است.

روش نمونه گیری وحجم نمونه

حجم نمونه براساس جدول کرجسی و مورگان[1](سیف نراقی ونادری،۱۳۸۶) و با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای سهمی ۳۲۷ نفر بوده است که به تفکیک ۱۳۳نفر از رشته ریاضی-فیزیک، ۱۴۵ نفر از رشته علوم تجربی و ۴۹ نفر از رشته ادبیات و علوم انسانی بوده اند و در مجموع ۱۷۶ دختر و ۱۵۱پسر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده اند.

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی رشته تحصیلی پاسخگویان

رشته تحصیلی	تعداد	درصد	درصد تراکمی
علوم انسانی	۴۹	۱۵	۱۵
علوم تجربی	۱۴۵	۴۴/۳	۵۹/۳
ریاضی فیزیک	۱۳۳	۴۰/۷	۱۰۰
جمع	۳۲۷	۱۰۰	

ابزارگردآوری داده‌ها

ابزار گردآوری داده ها در این پژوهش دو پرسشنامه است. یکی پرسشنامهٔ استاندارد هوش فرهنگی که شامل ۲۰ سوال است و آنرا آنگ و همکاران در سال ۲۰۰۴ بر اساس مقیاس هفت درجه ای لیکرت تنظیم کرده و ساخته اند. این پرسشنامه دارای چهار بعد (فراشناختی، شناختی، انگیزشی و رفتاری) است. سنجش پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت (کاملاًمخالفم، تا حدودی مخالفم، کمی‌مخالفم، نه موافقم نه مخالفم، کمی‌موافقم، تا حدودی موافقم و کاملاًموافقم) تنظیم شده و در محاسبات از شدت ۱ تا ۷ در نظر گرفته شده است. کمینه این نمره ۲۰ و بیشینه آن می تواند ۱۴۰ باشد و دیگری پرسشنامهٔ محقق ساخته هویت ایرانی- اسلامی شامل ۲۶ سوال بر اساس مقیاس لیکرت است که با بهره‌گیری از سوابق مطالعات صورت گرفته و بررسی مبانی نظری پژوهش تدوین و طراحی شده است. این پرسشنامه دارای دو بعد (ایرانی و اسلامی) است. سنجش این پرسشنامه نیز براساس مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (خیلی‌کم، کم، متوسط، زیاد وخیلی زیاد) تنظیم شده و در محاسبات از شدت ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده است. کمینه این نمره ۲۶ و بیشینه آن می تواند ۱۳۰ باشد.

1. Krejcie, R.V. & Morgan, D.W.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

روایی و پایایی پرسشنامه‌ها

پرسشنامه هوش فرهنگی: روایی و پایایی پرسشنامهٔ هوش فرهنگی را کاظمی (۱۳۸۷)، ودادی و عباسعلی زاده (۱۳۸۸) و تسلیمی و همکاران (۱۳۸۸) مورد تایید قرار داده اند. در این پژوهش نیز روایی این پرسشنامه با بهره گیری از نظرات متخصصان انجام شده و روایی محتوایی و صوری آن مورد تایید قرار گرفته است. ضریب پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرانباخ ۸۷/. محاسبه شده است.

پرسشنامه هویت‌ایرانی-اسلامی: روایی محتوایی و صوری این پرسشنامه نیز مورد تایید متخصصان قرار گرفته و ضریب پایایی این پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرانباخ ۰/۹۲محاسبه شده است.

روش تجزیه تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل دادها از شاخصهای آمار توصیفی مانند (توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد) و شاخصهای آمار استنباطی (ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون چندگانه) استفاده شده است. همهٔ اطلاعات کدگذاری شده و برای تجزیه و تحلیل آنها نرم افزار آماری SPSS به کار رفته است.

نتایج

فرضیه اصلی: بین هوش فرهنگی و هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان سال چهارم مقطع متوسطه شهر همدان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۲. ضریب تعیین رگرسیون

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای انحراف از برآورد	مقدار F	سطح معناداری
رابطه میان هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی دانش‌آموزان	۳۲۷	۰/۲۲۲	۰/۰۴۹	۰/۰۴۶	۱۸/۳۸	۱۶/۷۸۱	۰/۰۰۱

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۲ نتایج ضریب تعیین رگرسیون میان متغیر هوش فرهنگی با هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان برابر با ۰/۰۴۹ است. همچنین میزان F مشاهده شده (F=۱۶/۷۸۱) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ درصد معنادار است. در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است و بر اساس این میزان ۵ درصد از تغییرات موجود در هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان ناشی از هوش فرهنگی است. به عبارت دیگر ۵ درصد از تغییرات متغیر ملاک توسط متغیر پیش‌بین قابل تبیین است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

جدول شماره ۳. معادله خط رگرسیون

مدل رگرسیون	بتای غیر استاندارد		بتای استاندارد	t	سطح معناداری
	B	خطای معیار	بتا		
عرض از مبدا (a)	۸۶/۵۱۷	۴/۵۲۶	۰/۲۲۲	۱۹/۱۱۶	۰/۰۰۱
هوش فرهنگی	۰/۱۹۸	۰/۰۴۸		۴/۰۹۷	۰/۰۰۱

با توجه به اطلاعات جدول شماره ۳ متغیر هوش فرهنگی دارای قدرت قابل تأثیر بر هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان است و این تأثیر قابل پیش‌بینی است؛ به این صورت که به ازای یک واحد افزایش در هوش فرهنگی دانش آموزان، به میزان ۰/۲۲۲ هویت ایرانی- اسلامی آنان افزایش می‌یابد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین هوش فرهنگی و هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان سال چهارم مقطع متوسطه شهر همدان رابطه معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۴. ضریب تعیین رگرسیون ابعاد چهارگانه هوش فرهنگی

متغیر	تعداد	ضریب همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	ضریب تعدیل	خطای انحراف از برآورد	مقدار F	سطح معناداری
رابطه بین بعد شناختی هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی دانش‌آموزان	۳۲۷	۰/۱۴۵	۰/۰۲۱	۰/۰۱۸	۱۸/۶۶	۶/۹۳۹	۰/۰۰۹
رابطه بین بعد انگیزشی هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی دانش‌آموزان	۳۲۷	۰/۱۷۶	۰/۰۳۱	۰/۰۲۸	۱۸/۵۶	۱۰/۴۱۱	۰/۰۰۱
رابطه بین بعد رفتاری هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی دانش‌آموزان	۳۲۷	۰/۰۹۴	۰/۰۰۹	۰/۰۰۶	۱۸/۷۶۹	۲/۹۱۵	۰/۰۸۹
رابطه بین بعد فراشناختی هوش فرهنگی و هویت ایرانی – اسلامی دانش‌آموزان	۳۲۷	۰/۲۷۷	۰/۰۷۷	۰/۰۷۴	۱۸/۱۱۶	۲۶/۹۶	۰/۰۰۱

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴ نتایج ضریب تعیین رگرسیون بین متغیر هوش فرهنگی در بعد شناختی با هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان برابر با ۰/۰۲۱ است و میزان F مشاهده شده (F=۶/۹۳۹) در سطح آلفای ۰/۰۰۹ درصد معنادار است. در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است و بر اساس این میزان ۲ درصد از تغییرات موجود در هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان ناشی از هوش فرهنگی در بعد شناختی است. نتایج ضریب تعیین رگرسیون بین متغیر هوش فرهنگی در بعد انگیزشی با هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان برابر با ۰/۰۳۱ است و میزان F مشاهده شده (F=۱۰/۴۱۱) در سطح آلفای۰/۰۰۱ درصد معنادار است. در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است و بر اساس این میزان ۳ درصد از تغییرات موجود در هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان ناشی از هوش فرهنگی در بعد انگیزشی است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

همچنین با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴ نتایج ضریب تعیین رگرسیون بین متغیر هوش فرهنگی در بعد رفتاری با هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان برابر با ۰/۰۰۹ است و میزان F مشاهده شده (۲/۹۱۵=F) در سطح آلفای ۰/۰۸۹ درصد معنادار است. در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید نیست و بر اساس این میزان تنها در حدود ۱ درصد از تغییرات متغیر ملاک توسط متغیر پیش‌بین قابل تبیین است. با توجه به اطلاعات مندرج در جدول شماره ۴ نتایج ضریب تعیین رگرسیون بین متغیر هوش فرهنگی در بعد فراشناختی با هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان برابر با ۰/۰۷۷ است و میزان F مشاهده شده (۲۶/۹۶=F) در سطح آلفای ۰/۰۰۱ درصد معنادار است. در نتیجه ضریب تعیین رگرسیون قابل تأیید است. این میزان نشان می‌دهد ۸ درصد از تغییرات موجود در هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان ناشی از هوش فرهنگی در بعد فراشناختی است.

جدول شماره ۵. معادلهٔ خط رگرسیون

مدل رگرسیون	بتای غیر استاندارد		بتای استاندارد	t	سطح معناداری
	B	خطای معیار	بتا		
عرض از مبدا(a)	۹۶/۶۴۸	۳/۱۸۵		۳۰/۳۴۹	۰/۰۰۱
هوش فرهنگی در بعد شناختی	۰/۳۳	۰/۱۲۵	۰/۱۴۵	۲/۶۳۴	۰/۰۰۹
عرض از مبدا (a)	۹۳/۹۲۲	۳/۴۶		۲۷/۱۴۴	۰/۰۰۱
هوش فرهنگی در بعد انگیزشی	۰/۴۵	۰/۱۴	۰/۱۷۶	۳/۲۲۷	۰/۰۰۱
عرض از مبدا(a)	۹۸/۵۹	۳/۶۶۱		۲۶/۹۲۸	۰/۰۰۱
هوش فرهنگی در بعد رفتاری	۰/۲۵	۰/۱۴۶	۰/۰۹۴	۱/۷۰۷	۰/۰۸۹
عرض از مبدا(a)	۸۵/۸۵۸	۳/۷۴۳		۲۲/۹۳۶	۰/۰۰۱
هوش فرهنگی در بعد فراشناختی	۰/۹۵	۰/۱۸۳	۰/۲۷۷	۵/۱۹۲	۰/۰۰۱

اطلاعات مندرج در جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که متغیر هوش فرهنگی در بعد شناختی دارای قدرت قابل تأثیر بر هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان است و این تأثیر قابل پیش‌بینی است؛ به این صورت که به ازای یک واحد افزایش در هوش فرهنگی دانش آموزان در بعد شناختی، به میزان ۱۴درصد هویت ایرانی- اسلامی آنان افزایش می‌یابد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که میان بعد شناختی هوش فرهنگی و هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بعد انگیزشی هوش فرهنگی دارای قدرت قابل تأثیر بر هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان است و این تأثیر قابل پیش‌بینی است؛ به این صورت که به ازای یک واحد افزایش در هوش فرهنگی دانش آموزان، به میزان ۱۸درصد هویت ایرانی- اسلامی آنان افزایش می‌یابد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین بعد انگیزشی هوش فرهنگی و هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان رابطهٔ معنادار وجود دارد. بعد رفتاری متغیر هوش فرهنگی دارای قدرت قابل تأثیر بر هویت ایرانی-اسلامی دانش آموزان نیست، اما تأثیر جزئی آن قابل پیش‌بینی است؛ به این

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

صورت که به ازای یک واحد افزایش در هوش فرهنگی رفتاری دانش‌آموزان، در حدود ۱ درصد هویت ایرانی- اسلامی آنان افزایش می‌یابد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میان بعد رفتاری هوش فرهنگی و هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان رابطه معنادار وجود ندارد. نتایج نشان داد که متغیر هوش فرهنگی در بعد فراشناختی دارای قدرت قابل تأثیر بر هویت ایرانی-اسلامی دانش آموزان است و این تأثیر قابل پیش‌بینی است؛ به این صورت که به ازای یک واحد افزایش در هوش فرهنگی فراشناختی دانش آموزان، به میزان ۲۸ درصد هویت ایرانی-اسلامی آنان افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین بعد فراشناختی هوش فرهنگی و هویت ایرانی- اسلامی دانش‌آموزان رابطه معنادار وجود دارد.

بحث و نتیجه گیری

در یک تحلیل کلی نتایج پژوهش نشان داد که هوش فرهنگی دارای قدرت قابل تأثیر بر هویت ایرانی- اسلامی دانش آموزان است و این تأثیر به این صورت قابل پیش‌بینی است که به ازای یک واحد افزایش در هوش فرهنگی دانش آموزان، به میزان ۲۲درصد هویت ایرانی- اسلامی آنان افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با نظریات امانوئل کاستلز که معتقد است میان هویت و ویژگیهای فرهنگی رابطه وجود دارد، همخوانی دارد. وی معتقد است که هویت، فرآیند ساخته شدن معنا بر پایهٔ یک ویژگی فرهنگی یا یک سلسله ویژگیهای فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارند. به نظر وی همان گونه که نقشها، کار ویژگیها را سازمان می دهند، هویتها نیز به معنا سازمان می بخشند. از این دیدگاه هویت مفهومی است که دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اَشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می کند (به نقل از تاجیک: ۱۳۸۴). همچنین نتایج این پژوهش با پژوهشهای توماس و اینکسون (۲۰۰۵) که نشان داده‌اند هوش فرهنگی نظامی از تواناییهای تعاملی است که در واقع، ظرفیتی به افراد می‌دهد تا در مواجهه با فرهنگهای متفاوت درک و فهم درستی داشته باشند و به طور مناسب عمل کنند، همخوانی دارد. همچنین با یافته های پژوهش حاجیانی (۱۳۷۹) که معتقد است تقویت فرآیند ارتباطات قومی و تعاملات گسترده میان خرده فرهنگها، موجب کاهش حساسیتها می شود و سلیقه‌ها، تقاضاها، هنجارها، انتظارات تمام شهروندان در خرده فرهنگهای متفاوت را مشابه یکدیگر می کند و موجبات وحدت ملی و انسجام اجتماعی را فراهم می سازد و همچنین تعاملات قومی موجب همگن سازی، تقویت نقاط مشترک وحدت بخش، ایجاد تفاهم و علقه، و نهایتاً همبستگی ملی می‌شود همخوانی دارد. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهشهای توماس و اینکسون (۲۰۰۵) که بر گفتگوی هویتی به مثابه کلیدی در

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

توانایی ارتباطات میان فرهنگی تاکید می کنند، همخوانی دارد. همچنین با نتایج بوردیو (۲۰۰۲) که معتقد است که محیط فرهنگی نقش برجسته‌ای در تکوین، حفظ، تغییر و تحول هویت دارد، همسوست (به نقل از توسلی، ۱۳۸۳). بنابراین به نظر می‌رسد هوش فرهنگی که توانایی فائق آمدن بر تعارضات ناشی از تنوع محیطهای فرهنگی و افزایش سازگاری است، منبع بالقوه‌ای برای بازتعریف و ارزیابی جنبه‌های گوناگون خود و هویت افراد تلقی می شود و زمینه‌های رشد و توسعهٔ هویت فردی و اجتماعی افراد را فراهم می کند. نتایج این پژوهش همچنین با پژوهشهای ارلی و آنگ (۲۰۰۳) همخوانی دارد. به نظر آنان هر چه فردی دارای هوش فرهنگی بالاتر باشد می تواند به شیوه ای موثر در یک زمینه فرهنگی نوین و متفاوت با زمینه فرهنگی رشد یافته در آن، خود را سازگار کند، بدون آنکه هویت فرهنگی خود را کنار بگذارد. نتایج این پژوهش با پژوهش اسماعیلی (۱۳۷۶) که نشان داد میان هوش و هویت رابطه‌ای معنادار وجود دارد و پژوهش توسلی و قاسمی (۱۳۸۱) که نشان دادند با افزایش مناسبات و همکاری میان- گروهی که از برآیند روابط اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاصل می شود، تعلق و وفاداری اقوام به واحدهای جمعی بزرگ‌تر از جمله هویتهای جمعی منطقه ای و ملی افزایش پیدا می کند و با نتایج عسگریان (۱۳۸۵) که نشان داد به کارگیری فرهنگهای قومی در آموزش رسمی و اشاعه آن از طریق برنامه درسی زمینه پیوند میان اقوام و تبارهای جامعه را به‌وجود می آورد و وحدت بخشی فرهنگی و وحدت ملی را ایجاد می‌کند، همخوانی دارد. همچنین با پژوهشهای آنگ و همکاران (۲۰۰۷) که نشان دادند میان هوش فرهنگی فرا شناختی و شناختی با اثربخشی قضاوت و تصمیم‌گیری فرهنگی و هوش فرهنگی انگیزشی و رفتاری با تطبیق پذیری فرهنگی، رابطه مثبت و معنادار وجوددارد و مودی (۲۰۰۷) که نشان داد برون گرایی به طور مثبت با مؤلفه‌های فراشناختی، رفتاری و انگیزشی هوش فرهنگی ارتباط مثبت داشته است، همخوانی دارد. در یک جمع بندی کلی نتایج پژوهش حاضرحاکی از آن است که هوش فرهنگی و مؤلفه‌های (فراشناختی، شناختی و انگیزشی) آن با هویت ایرانی – اسلامی دانش آموزان رابطهٔ مثبت و معنادار دارد. با توجه به اکتسابی بودن بخش قابل‌توجهی از مهارتها و قابلیت های هوش فرهنگی، پیشنهاد می شود سیاستگذاران و برنامه‌ریزان در برنامه‌های نظام آموزش و پرورش، جایگاهی ویژه برای تقویت این هوش در نظر بگیرند و تمهیدات لازم را در راستای بهبود مهارتهای شناختی و فراشناختی و انگیزشی اتخاذ نمایند. همچنین در نظام آموزشی متمرکز جامعه چند فرهنگی ایران کثرت‌گرایی فرهنگی به مثابه یک اهرم کارآمد در تقویت هویت ملی مورد توجه قرار گیرد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

منابع

آشنا، حسام الدین و روحانی، محمدرضا. (۱۳۸۹). هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مولفه‌های بنیادی. *نشریه علوم اجتماعی تحقیقات فرهنگی*، شماره ۱۲ ، ۱۵۷ – ۱۸۴.

آقاجانی حسین آبادی، محمد حسن. (۱۳۸۱). *هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه سبک هویت برای دانشجویان دانشگاه های تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم تهران.

احمدی، حمید. (۱۳۸۳). *ایران: هویت، ملیت و قومیت*. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

اسلامی، علیرضا. (۱۳۸۵). قومیت و ابعاد آن در ایران. *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره۳۴، ۱۹۵–۲۱۲.

اسماعیلی،جواد. (۱۳۷۶). *مقایسه بحران هویت در دانش آموزان تیزهوش و عادی پایه دوم راهنمایی و اول دبیرستان شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.

ایزوتسو، توشی هیکو. (۱۳۸۱). *خدا و انسان در قرآن* (ترجمه احمدآرام). تهران: سهامی انتشار.

برگر، پیترول و لوکمان، توماس.(۱۳۷۵). *ساخت اجتماعی واقعیت* (ترجمه فریبرز مجیدی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

پورزارعیان، ناصر. (۱۳۸۹). *بررسی انواع و میزان هویت یابی دانش آموزان (مطالعه موردی در میان دانش آموزان دوره متوسطه آموزش و پرورش ناحیه ۲ تبریز)*. شورای تحقیقات استان آذربایجان شرقی، کمیته پژوهشی ناحیه ۲ تبریز

تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). جهانی شدن و هویت. در *مجموعه مقالات همایش هویت ملی و جهانی شدن* (صص۲۵–۳۸). تهران: دانشگاه تهران.

تسلیمی، محمدسعید؛ وردی نژاد، فریدون؛ قلی پور، آرین و آل آقا، میترا. (۱۳۸۸) ارائه راهکارهایی برای ارتقای هوش فرهنگی مدیران دولتی در امور بین المللی. *پژوهش‌های مدیریت*، سال دوم، شماره چهارم، ۲۹–۵۷.

توسلی، غلام عباس.(۱۳۸۳). تحلیلی از اندیشه پیر بوردیو درباره فضای منازعه آمیز اجتماعی و نقش جامعه شناسی. *نامه علوم اجتماعی*، شماره بیست و سوم،۱–۲۵.

توسلی، غلامعباس و قاسمی، یار محمد (۱۳۸۱). مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی (نمونه مطالعه: ایلام). *جامعه‌شناسی ایران*، شماره چهارم،۳ – ۲۵.

چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). *جامعه شناسی نظم*. تهران: نشرنی.

چیت ساز قمی، محمد جواد. (۱۳۸۳). هویت دینی جوانان در ایران، مبانی نظری هویت و بحران هویت. *مجموعه مقالات*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۷۹). تحلیل جامع شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه. *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۵، ۱۹۳–۲۲۸.

حسینی نسب، سید داود و قادری، وریا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین هوش فرهنگی با بهره‌وری مدیران در مدارس شاهد استان آذربایجان غربی. *فصلنامه علوم تربیتی*، سال چهارم، شماره ۱۳، ص۳۱.

حیدری، محمد. (۱۳۸۳). هویت و امنیت ملی. *مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت*، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

عراقیه، علیرضا؛ فتحی واجارگاه، کورش؛ فروغی ابری، احمد علی و فاضلی، نعمت اله. (۱۳۹۰). بررسی جایگاه قومیت در برنامه‌درسی پنهان. *فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران*، شماره ۲۳، ۵۶- ۷۵ .

عسگریان، مصطفی.(۱۳۸۵). جایگاه فرهنگ های قومی در تربیت شهروند. *فصلنامه نوآوری های آموزشی*، شماره ۱۷، ۱۶۲-۱۳۳.

کاستلز، امانوئل. (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: قدرت هویت* (ترجمه حسن چاووشیان). تهران، طرح نو.

کاظمی، معصومه. (۱۳۷۸). *بررسی ارتباط هوش فرهنگی و عملکرد کارکنان جامعه المطصفی العالمیه*. قم: مجتمع آموزش عالی قم.

لیورمور، دیوید. (۱۳۹۰). *رهبری با هوش فرهنگی، رمز جدید موفقیت* (ترجمه سوسن علایی). اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

میلر، دیوید. (۱۳۸۳). *ملیت* (ترجمه داود غرباقی زندی). تهران: انتشارات تمدن ایرانی.

نقیب زاده، احمد. (۱۳۸۳). *هویت ملی و عوامل بحران آن در ایران* (گردآوری: علی اکبر علیخانی). تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول.

ودادی، احمد و عباسعلی زاده، منصوره. (۱۳۸۸). هوش فرهنگی در مهندسی فرهنگی با توجه به عصر جهانی شدن. *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، سال چهارم، شماره ۳۳ و ۳۴، ۶۸-۷۵.

هافستد، گیرت. (۱۳۸۸). *فرهنگ‌ها و سازمان‌ها: نرم‌افزار ذهن: همکاری میان فرهنگی و اهمیت آن* (ترجمه محمد اعرابی، هاشم. هدایتی، مجید محمودی). تهران: علم.

Ang, S., Van Dyne, L. & Koh, C. (2006). Personality correlates of the four – factor model of cultural intelligence. *Group & Organization Management*, *31*(1), 100-123.

Ang, S., Van Dyne, L., Koh, C.K.S., Ng, K.Y., Templer, K.J., Tay, C., & Chandrasekar, N.A. (2007). Cultural intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaptation and task performance. *Management and Organization Review*, *3*, 335-371.

Cheng, R.L. (2007). Cultural intelligence (CQ): A quest for cultural competence. *Communication Disorders Quarterly*, *29*(1), 36-42.

Crowne, K. A. (2007). *The relationships among social intelligence, emotional intelligence, cultural intelligence and cultural exposure.* Unpublished doctoral Dissertation of philosophy. Temple University, United States – Pennsylvania.

Earley, P. C., & Ang, S. (2003). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures.* Stanford, CA: Stanford Business Books, p.375.

Earley, P. C., & Ang, S. (2004). *Cultural intelligence: Individual interactions across cultures*. Stanford, CA: Stanford Business Books, p.375.

Earley, P. C., & Mosakowski, E. (2004). Cultural intelligence. *Harvard Business Review*, 139-146.

Earley, P. C., & Mosakowfski, E. (2005). Cultural intelligence. *Harvard Business Review*, 13-25.

Leung, K., & Li, F. (2008). Social aximos and cultural intelligence: Working across cultural boundaries. *Annual Review of Psychology*, 58, 514-579.

Li, J. (2002). Learning models in different cultures. *New Directions for Child and Adolescent Development*, 96, 45-64.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

Lugo, M. (2007). *An examination of cultural and emotional intelligences in the development of global transformational leadership skills*. Unpublished dissertation, Walden University, Minnesota.

Moody, M. C. (2007). *Adaptive behavior in intercultural environments: The relation between cultural intelligence factors and big five personality traits.* Unpublished doctoral Dissertation of philosophy. George Washington University.

Olson, E. T. (2002). Personal identity. In E. N. Zalta (Ed.), *The Stanford encyclopedia of philosophy*, URL= http://plato. stanford.edu/archives / fall2002/ entries/identity-personal /

Peterson, B. (2004). *Cultural intelligence: A guide to working with people from other cultures.* Yarmouth, ME: Intercultural Press.

Plum, E., Achen, B., Draeby, I. & Jensen, I. (2007). *Cultural intelligence: A concept for bridging and benefiting from cultural differences.* BørsensForlag, Copenhagen. Available at www.culturalintelligence.org/cqiloapp.pdf

Poole, R. (2003). National identity and citizenship. In L. M. Alcoff and E. Mendieta (Eds.), *Identities*. UK: Black Well Publishing.

Tan, J. S. (2004). Cultural intelligence and the global economy. *Leadership in Action, 24*(5), 19-21.

Thomas, D. C. (2006). Domain and development of cultural intelligence: The importance of mindfulness. *Group and Organization Management, 31*(1), 78-99.

Thomas, D. C., & Inkson, K. (2005). Cultural Intelligence: People skills for global workplace. *Consulting to Management, 16*(1), 5-10.

Ting-Toomey, S., & Kurogi, A. (1998). Facework competence in intercultural conflict: An updated face- negotiation theory. *International Journal of Intercultural Relations, 22*, 187-225.

Triandis, H. C. (2006). Cultural intelligence in organizations. *Group & Organization Management, 32*(1), 20-26.

Van Dyne, L., Ang, S., & Koh, S. K. (2006). Personality correlates of the four –factor model of cultural intelligence. *Group and Organization Management, 31*, 100-123.

Yi-Chen, Sung. (2009). *A Study of the relationship among cultural intelligence, emotional intelligence, cultural shock, and cross-cultural adjustment.* Department of Business Administration, National Chung Hsing University Institutional Repository–NCHUIR. Available at: http:// nchuir.lib.nchu.edu.tw/ir/handle /309270000 /3274

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1392.10.1.6.9]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-16]